

تبیین نابرابری های فضایی و مدیریت در انجام برنامه ریزی مبتنی بر ارتقاع کیفیت زندگی (مورد مطالعه: شهر فریدونکنار)

قاسم طالبی کناری

کارشناس ارشد، حسابداری، دانشگاه غیر انتفاعی علامه امینی، واحد بهمنمیر، مازندران، ایران

چکیده

رشد سریع شهرنشینی، مشکلات متعددی را در شهرهای کشورهای کمتر و بیشتر توسعه یافته به همراه داشته است. از جمله عمده ترین این مشکلات، نابرابریهای فضایی است که گسترش و بسط آن، ساختار فضایی شهرها را دچار تغییر و تحول میکند. تداوم نابرابریهای فضایی و افت کیفیت زندگی در برخی نواحی خرد شهری و نارسایی شیوه های موجود، ضرورت تمهید و اختیار شیوه های متفاوت اما امکانپذیر در برنامه ریزی و مدیریت شهری را مطرح می سازد. این نوشتار در پی تأکید بر ضرورت توجه به افت کیفیت زندگی در نواحی دارای نابرابریهای فضایی است که نیازمند تحلیل، تفسیر و تبیین ساختار ویژه خود، علل پدیدار شدن ساختار نابرابر و افت کیفیت زندگی در آنها، بروز تهدیدها و مشکلات، حضور فرصتها و مهمتر از همه، دوری جستن از رویکرد سنتی در برنامه ریزی و مدیریت نواحی خرد شهری میباشد. در این راستا، یکی از نواحی خرد شهر تهران که دارای مشکل نابرابری فضایی و افت کیفیت زندگی است، انتخاب گردیده و به پیش شرط های راه اندازی سازوکار برنامه ریزی و مدیریت در آن، اشاره شده است. بدیهی است تدوین برنامه های مناسب به منظور تعدیل یا حذف نابرابریها به همراه افزایش مشارکت مردمی در مدیریت شهری و بهره گیری از انگاشت چندبعدی و جامع کیفیت زندگی در چارچوب برنامه ریزی شهری- به دور از شیوه های رایج و متداول- به عنوان عمده ترین هدف این نوشتار، میتواند در رسیدن به برابری و تحقق عدالت در شهرها مؤثر باشد.

واژه های کلیدی: نابرابری فضایی، کیفیت زندگی، برنامه ریزی شهری، برنامه ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی، برنامه ریزی نواحی خرد شهری.

۱- مقدمه

افزایش فزاینده شهرنشینی، پیامدهای بسیاری را در جهان به همراه داشته است که از پیامدهای عمده آن، فقر، محرومیت و انواع نابرابری های فضایی است و شهرهای بسیاری از کشورهای کمتر و بیشتر توسعه یافته با آن روبه روده اند (دانشپور، ۱۳۷۸) بررسی نابرابری فضایی، از آن جهت اهمیت دارد که آگاهی بر نحوه عملکرد، شکل، ویژگیهای خاص و تحولات ساختار فضایی در یک شهر و علل مؤثر بر ایجاد عدم تعادل بین نواحی مسکونی، تصمیم سازان و تصمیم گیران را در مورد درک عواقب تصمیمات خود یاری میرساند. این ویژگی در عین حال لزوم توجه به تدوین راهبردها و سیاستهای متفاوت برای هر یک از نواحی مختلف مسکونی را مشخص میسازد. از سوی دیگر، تحت تأثیر رواج و گسترش مفاهیم کیفی و اجتماعی توسعه؛ از جمله کیفیت زندگی شهری، مباحث و موضوعات جدیدی در عرصه برنامه ریزی شهری مطرح شده که تحول در شیوه ها و روشهای آن را به دنبال داشته است. برنامه ریزی شهری تحت تأثیر این مفاهیم، دیگر فقط برنامه ریزی برای تأمین نیازها و خواسته های کالبدی-کارکردی شهروندان نیست، بلکه در واقع هدف اصلی آن علاوه بر تأمین نیازهای فوق، پاسخگویی به نیازهای روانی، محیطی، اجتماعی و اقتصادی (نظیر رضایت، شادمانی، مسکن با کیفیت، حمل و نقل با کیفیت و جز آن) و دستیابی به کیفیت مطلوب محیط زندگی در شهرها است. شهر فریدونکنار همواره با مشکل اغتشاش در ساختار فضایی و بروز پدیده جدایی اجتماعی مواجه بوده است. ویژگیهای مربوط به مکانیزم هدایت و کنترل شهری و ویژگیهای بوم شناختی این شهر، باعث ایجاد نابرابری فضایی در سطح شهر و نواحی مسکونی خاص گروههای اجتماعی-اقتصادی گوناگون شده است. از اینرو، یکی از محله های شهر فریدونکنار باهدف درک هر چه بیشتر نابرابری فضایی در آن، مورد توجه قرار گرفته است تا بتوان با به کارگیری تمهیداتی مناسب متکی بر برنامه ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی، به اهداف برابری، افزایش فرصتها و ارتقای کیفیت زندگی در آن، دست یافت. رهیافتهای سنتی مورد استفاده در فرایند برنامه ریزی شهری برای رویارویی با نابرابریهای فضایی موجود در نواحی شهری به دلیل نداشتن نگاهی جامع و چندجانبه (به ویژگیهای برنامه ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی) نتوانسته اند به نتایج قابل قبولی در این زمینه دست یابند؛ زیرا تفاوت با دستاوردهای نظری و تجربیات جهانی بوده و نگاهی سنتی و یکنواخت به انواع گوناگون فضاهای نابرابر شهری را دنبال میکنند. بنابراین ضرورت دارد که برای برنامه ریزی، روشی نوین معرفی و استفاده شود که بتواند با نابرابری فضایی، رویارویی کرده و تمام ابعاد زندگی در این نواحی را به صورت جامع و چندجانبه در نظر گیرد تا ضمن ارتقای کیفیت زندگی در نواحی که نابرابری فضایی دارند، از طریق شناخت ویژگیهای جوامع مختلف، به نیازهای محلی پاسخ دهد. هدف این مقاله تأکید بر اهمیت رویارویی با نابرابری فضایی و ارتقای کیفیت زندگی در نواحی شهری و همچنین ارائه چارچوبی است که بتوان با استفاده از برنامه ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی، با نابرابریهای فضایی موجود در نواحی شهری مقابله کرد و راه حل مناسبی برای آن ارائه داد. به منظور دستیابی به این هدف کلی، پس از معرفی چارچوب های نظری، فنی و تجربیات جهانی مرتبط با انگاشت های کلیدی موضوع، چارچوب برنامه ریزی پیشنهادی برای رویارویی با نابرابری فضایی با به کارگیری برنامه ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی، مبتنی بر دو مسیر محتوایی و روندکاری و به کارگیری آن در نمونه موردی، ارائه میشود. از جمله دستاوردهای نوشتار پیش رو علاوه بر پیشنهاد فرایند مذکور، معرفی معیارها، سنجش ها و روش مناسب سنجش نابرابری فضایی و کیفیت زندگی در نواحی محلی شهری براساس توجه به تمام ابعاد برنامه ریزی فضایی در سه زمینه طبیعی، فضایی- فعالیتی و تصمیم گیری میباشد. سابقه مطرح شدن انگاشت کیفیت زندگی بسیار محدود است (مربوط به مطرح شدن مفاهیم کیفی در برنامه ریزی شهری) مطالعاتی که تاکنون در این زمینه صورت گرفته نیز محدود به سنجش و ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی شهری به منظور برنامه ریزی

در آنها بوده و تاکنون پژوهش گسترده ای در زمینه به کارگیری این انگاشت در برنامه ریزی شهری به منظور برطرف ساختن یکی از مشکلات شهری خاص (در این تحقیق، نابرابری فضایی) انجام نگرفته است.

۱-۱ نابرابری فضایی

نابرابری فضایی به عنوان یک مشکل برنامه ریزی، زمانی بروز میکند که ساختار فضایی نواحی مختلف یک شهر دارای تفاوت های بارز و آشکاری باشند؛ تفاوت هایی که نیاز به تدوین راه حل های برنامه ریزی گوناگون در مورد نواحی مختلف داشته و جوابگوی هدف والای ایجاد برابری فضایی در یک شهر باشند. (حسامیان، ۱۳۸۷) درک علل نابرابری فضایی در نواحی شهری مستلزم شناخت ساختار شهر و بررسی نقش نیروهای اثرگذار بر شکل گیری فضا و تفاوت های ماهوی نواحی گوناگون آن است. با توجه به این که شهر، جلوه فضایی ساختارهای طبیعی، فضایی-فعالیتی و تصمیم گیری در طول تاریخ است، درک نابرابری فضایی در آن نیز با تمام پیچیدگی هایش مستلزم شناخت و درک ساختارهای مذکور و ارتباطات و ترکیبات پیچیده ای است که بین نیروهای این سه ساختار، برقرار شده است (هاروی ۱۳۸۷). فضاهای نابرابر شهری موجب می شوند تا فرصتهای نابرابر در اختیار ساکنان نواحی مختلف قرار گیرند و این به توزیع نابرابر خدمات رفاهی، شکل گیری و رشد نواحی فرسوده فقیرنشین و افت و محرومیت ۴ محله شهری به عنوان عمده ترین پیامدهای نابرابری در نواحی شهری منتهی می شود. چنین فرایندی در یک چرخه بازخوردی، تضادهای فضایی را تشدید کرده و به تعمیق نابرابریهای فضایی موجود منجر میگردد که خود زمینه ساز جدایی گزینی های مسکونی و عمیق شدن شکاف موجود بین سطح توسعه یافتگی نواحی شهری خواهد شد (کلانتری ۱۳۸۰). کنش متقابل ۳ بین گروههای اجتماعی، بنیانگذار سیستمی است که هدف آن مرتبط کردن رفتارها و ویژگیهای خاص اجتماعی-اقتصادی ساکنین یک شهر به شکل فضایی آن میباشد و تحت عنوان بوم شناختی اجتماعی ۴ بررسی می شود. این سیستم را از دو دیدگاه میتوان بررسی کرد:

نخست، علل پیدایش نواحی مسکونی؛ شامل نظریات برزندهای شهری برگس ۵، اجاره، بوم شناختی پراگ ۶، شهر سوسیالیستی و نظریه رده های مسکونی و دوم، کنش متقابل بین نواحی مسکونی شامل نظریه های رشد شهری برگس، اثرات پاکسازی نواحی مخروبه، نظریه مربوط به مهاجرت درون شهری، نظریه مربوط به فرایند پالایش، نظریه پراندن، دگرشوندگی نواحی مسکونی و شهرهای جدید (دانشپور، ۱۳۷۸) روشهای متنوعی برای مقایسه نواحی به منظور شناسایی و سنجش نابرابری فضایی وجود دارد، از جمله میتوان به تحلیل اثرات متقابل معیارها اشاره کرد که در آن طیفی از معیارهای مناسب، امتیازدهی و وزن دهی شده، سپس رتبه بندی میشوند (نصیری، ۱۳۸۸). برای تحلیل اثرات متقابل معیارها، فنون متعددی مورد استفاده قرار میگیرند که عبارتند از: فنون ترکیب رتبه ای، فنون ترکیب خطی، فنون ترکیب غیرخطی، فنون ترکیب عوامل، فنون ترکیب دستوری، فنون تلفیقی، فنون تجزیه و تحلیل سیستمی، فنون تحلیل سلسله مراتبی و غیره. برای انتخاب گزینه بهینه در هر یک از این فنون باید معیارهای وزن داده شده را ترکیب و لایه ها را تلفیق نمود. روشهای دیگری نیز وجود دارند که براساس تحلیل توزیع فضایی خدمات شهری و دسترسی به آنها، به صورت یکپارچه به شناسایی، تحلیل و سطح بندی نابرابریهای فضایی در نواحی شهری می پردازند. این دسته از روش ها اگرچه بسیار پرکاربرد هستند ولی چون تنها به معیارهای کالبدی نابرابری توجه داشته و سایر معیارها را در نظر ندارند در این زمینه با کمبود مواجه میشوند (رضوانی، ۱۳۸۸).

در راستای سنجش نابرابریهای فضایی، اولین و مهمترین گام، معرفی معیارهای مناسب سنجش است. پنج دسته بندی کلی از انواع معیارهای سنجش نابرابری فضایی مورد استفاده در مطالعات مختلف، قابل شناسایی اند که عبارتند از: معیارهای خدمات

عمومی و اجتماعی-اقتصادی، رفاه و عدم رفاه، کالبدی و اجتماعی، کاربردها و خدمات رفاهی و منزلت اجتماعی و پایگاه اقتصادی. پس از شناسایی نابرابری فضایی باید رهیافت مناسبی را برای مقابله و کاهش آن، به کارگرفت (خالوباقری، ۱۳۹۰). با توجه به انواع نواحی نابرابر شهری، رهیافت های مختلفی قابل اتخاذ می باشند که از میان آنها دورهیافت پرکاربردترند: نخست- رهیافت تجدید حیات شهری^۱ که بینش و عمل تفصیلی و جامعی برای حل مشکلات شهری است و مشارکت افراد و نهادهای مؤثر در تصمیم گیریها و پایداری محیط زیست در نواحی خرد شهری را مورد توجه قرار میدهد. دوم- رهیافت ارتقای کیفیت محیطی^۲ که برای نواحی نابرابر فضایی که بیشتر در لبه های نواحی تجاری یا در حاشیه شهرها شکل میگیرند، به کار میرود و مبتنی بر آن است که برای رفع مشکلات نواحی نابرابر باید کل فرایند زندگی و مجموع شرایط ساکنان را به همراه بارزترین نمودهای سیاسی شهری و نقصانهای نهادی، هدف قرار داد (دانشپور، ۱۳۸۷). تجربیات کشورهای بیشتر توسعه یافته (تجربه کشورهای انگلیس و آمریکا) و کشورهای کمتر توسعه یافته (تجربه کشوراندونزی) در برخورد با نابرابری فضایی در نواحی شهری نیز به منظور آشنایی با اهداف، سیاستها و اقدامات مختلف این کشورها در مورد نابرابری فضایی، افت شهری و محرومیت اجتماعی، نشان دهنده گذار مدیریت و برنامه ریزی شهری این کشورها از برخورد یک جانبه با نابرابریهای فضایی به سوی توسعه مشارکتی، متناسب با تحولات برنامه ریزی شهری، تشکیل خط مشی جدید و تطبیق امور با اهداف توسعه پایدار و به رهیافتی از برنامه تجدید حیات شهری به عنوان یک رهیافت جامع برای کاهش مشکل نابرابری فضایی در نواحی درونی شهرها می باشد (خالوباقری، ۱۳۹۰).

۱-۲- انگاشت کیفیت زندگی

کیفیت زندگی، مفهومی پیچیده و چندبعدی است که با وضعیت جمعیت در یک مقیاس جغرافیایی خاص، ارتباط دارد؛ از این رو میتوان آن را به مثابه کنش متقابل بین نیازهای انسانی و احساس ذهنی نسبت به تأمین این نیازها-بهبودی ذهنی- در نظر گرفت (رضوانی، ۱۳۸۷). ارائه تعریفی دقیق و مورد توافق از انگاشت پیچیده و چندبعدی کیفیت زندگی بسیار دشوار است؛ تعاریف مختلف نیز براساس هدفی که از آنها دنبال میشود ویژگیهای متفاوتی دارند (نجات، ۱۳۸۷). که زمینه دسته بندی آنها را در سه گونه فراهم می آورند. این سه گونه عبارتند از: **نخست:** تعاریفی که به بُعد ذهنی کیفیت زندگی توجه دارند. **دوم:** تعاریفی که به بُعد عینی کیفیت زندگی توجه دارند. **سوم:** تعاریفی که همزمان به ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی توجه دارند (رضوانی، ۱۳۸۷). جدول (۱) بیانگر تعاریف متفاوت از انگاشت کیفیت زندگی می باشد.

ردیف	ابعاد کیفیت زندگی	محقق	تعریف کیفیت زندگی
۱	عینی	لیو ^۱ -۱۹۸۳	عنوانی جدید برای مفهوم قدیمی بهزیستی مادی و روانی مردم در محیط زندگی خود
۲		میشل و همکاران ^۲	مجموعه عواملی همچون سلامتی، محیط فیزیکی، منابع طبیعی، توسعه فردی و امنیت
۳		مولر ^۳ -۱۹۸۲	میزان رفاه افراد و گروهها در شرایط اجتماعی و اقتصادی عمومی
۴	ذهنی	پسیون ^۴ -۱۹۹۵	وضعیت محیطی که مردم در آن زندگی میکنند؛ مانند آلودگی و کیفیت مسکن و نیز برخی صفات و ویژگیهای خود مردم؛ مانند سلامتی و دسترسی
۵		کوستانزا و همکاران ^۵ -۲۰۰۷	میزان تأمین نیازهای انسانی در ارتباط با ادراکات فرد و گروهها از بهزیستی ذهنی
۶	عینی و ذهنی	گروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی ^۶	ادراک فردی از وضعیت زندگی در متن نظامهای فرهنگی و ارزشی جامعه و در ارتباط با اهداف، انتظارات استانداردها، علایق و نگرانیهای فرد
۷		فو ^۷ -۲۰۰۷	رضایت کلی فرد از زندگی
۸		پسیون - ۲۰۰۳	وضعیت محیطی که مردم در آن زندگی میکنند و همچنین برخی از صفات و ویژگیهای خود مردم
۹		داس ^۸ -۲۰۰۸	بهزیستی یا عدم بهزیستی مردم و محیط زندگی آنها
۱۰		جنز ^۹ -۲۰۰۹	ساختاری چندبعدی شامل قلمروهای مادی، احساسی، روانی، اجتماعی و رفتاری
۱۱	هاجرتی و همکاران ^{۱۰} -۲۰۰۱	اصطلاحی که بر کیفیت زندگی افراد و نه فقط بر برخی از قلمروهای زندگی دلالت میکند. اگر کیفیت زندگی به اجزای مختلف تقسیم شود، باید اجزای آن در مجموع، یک ساختار کلی به نام کیفیت زندگی را نمایش دهند.	

منبع: (مطالعات نگارنده)

نظریات مرتبط با انگاشت کیفیت زندگی، از انتظام های فکری گوناگون توسعه یافته است. این نظریات، متعددند اما عمده ترین آنها عبارتند از:

نظریه لذت طلبی: کیفیت زندگی را فهرستی از عوامل عینی میدانند که بر ادراک و ذهنیت فرد تأثیر میگذارد رضاپور، (۱۳۸۹).

نظریه برتری: تکامل تمایلات ذاتی^۱ یک شخص، تنهامورد حائز اهمیت در سنجش کیفیت زندگی است و ارتقای کیفیت زندگی فرد را نتیجه برآورده شدن تمایلات و آرزوهای او میدانند (رضاپور، ۱۳۸۹).

نظریه فایده باور: بعد نظری این نظریه که ارزشها و آرزوها را در بر میگیرد با کیفیت زندگی ذهنی، ارتباط دارد و بعد عملی آن، به سنجش فایده در زندگی مادی مربوط میشود و با کیفیت زندگی عینی ارتباط دارد. نظریه نیازهای انسانی (THN): نیازها و دسته بندی آنها پرداخته و بیان میکند که رضایت مندی از برآورده شدن نیازهای انسانی، شکل دهنده رضایتمندی از زندگی است (رضاپور، ۱۳۸۷).

نظریه عمل اجتماعی (SAT): فرهنگ را در جامعه، تعیین کننده میدانند و هرگونه تغییر و تحول در آن را باعث تغییر و تحول در سایر ابعاد جامعه میدانند (رضاپور، ۱۳۹۸). رهیافت تهای متفاوتی برای به کارگیری انگاشت کیفیت زندگی در برنامه ریزی شهری وجود دارد اما از میان آنها، دورهیافت کیفیت زندگی برگر- اشمیت و نول و رهیافت کیفیت اجتماعی که جامعه را به عنوان یک کلیت مدنظر قرار داده و علاوه بر توجه به خودمختاری فردی، کیفیت زندگی را با بهره گیری از روابط اجتماعی ارزیابی نموده و کاهش نابرابری ها و تحقق عدالت اجتماعی، هسته اصلی این دو رهیافت به حساب می آیند و به موضوع این پژوهش نزدیک ترند. معیارهای سنجش کیفیت زندگی را نیز میتوان در دوگروه سنجه های ذهنی و شاخص های عینی، جای داد. سنجه های ذهنی از طریق پیمایش و پرسشگری از ادراک، رضایت و ارزیابی مردم از زندگی خود به دست می آیند و شاخصهای عینی از طریق به کارگیری داده های حاصل از گزارشها و آمارهای رسمی حاصل میشوند (نوغانی، ۱۳۸۷). برای سنجش کیفیت زندگی ابتدا باید تمامی ابعاد، جنبه ها و شاخص های تشکیل دهنده این انگاشت، شناسایی شوند تا بتوان به تعریفی جامع و کامل دست یافت. جدول ۴، به بررسی سنجه ها و شاخص های کیفیت زندگی در مطالعات مختلف می پردازد.

مطالعه	سنجه ها و شاخصهای کیفیت زندگی
اشنایدر ^۱ -۱۹۷۶	درآمد، ثروت و شغل/ محیط زیست/ سلامتی (روحي و جسمي)/ آموزش/ بی سازمانی اجتماعی ^۲ (جنایت، الکلیسم، اعتیاد و...) / از خودبیگانگی و مشارکت سیاسی (اشنایدر ۱۹۷۶). (با تأکید بر شاخصهای عینی کیفیت زندگی)
لیو ^۳ -۱۹۷۶	اقتصادی، سیاسی، محیطی، اجتماعی و بهداشت و آموزش
بایر و ساواگو ^۴ -۱۹۸۱	آب و هوا، مسکن، مراقبتهای سلامتی و محیطی، جرم، حمل و نقل، آموزش، هنر، خلاقیت، اقتصاد
بلومکوئست ^۵ -۱۹۸۸	بارندگی، رطوبت، گرمای هوای روزانه، درجه سرمای هوا، سرعت باد، تابش خورشید، ساحل، جرم و خشونت، نرخ معلم، دید، مجموع ذرات معلق، محللهای دفن زباله
سوفیان ^۶ -۱۹۹۳	امنیت عمومی، هزینه غذا، فضای زندگی، استاندارد مسکن، ارتباطات، آموزش، سلامت عمومی، صلح و آرامش، ترافیک، هوای پاکیزه
پروتاسنکو ^۷ -۱۹۹۷	درآمد ماهانه هر فرد، توزیع درآمد، هزینه غذای ماهانه
شالاک و وردوگ ^۸ - ۲۰۰۲	خرسندی، خودپنداری، نداشتن فشار روحی، تعاملات، روابط، حمایتهای مادی، وضع مالی، شغل، مسکن، تحصیلات، صلاحیت فردی، کارایی، سلامت، فعالیتهای روزانه، فراغت، کنترل فردی، ارزشها و اهداف فردی، انتخابها، مشارکت، نقشها، حمایتهای اجتماعی، حقوق انسانی و حقوق مشروع (توجه به جنبه های ذهنی کیفیت زندگی (رضوانی ۱۳۸۷)
داینر ^۹ -۲۰۰۲	استانداردهای شهروندی: تعهدات اجتماعی، همبستگی و مشارکت اجتماعی، برخورداری از حمایت اجتماعی و حقوق فردی/منزلت نقشی در سطوح فردی، اجتماعی و خانوادگی
ویلکسنسون ^{۱۰} -۲۰۱۰	تمام جنبه های اجتماع: فعالیتهای شهرداری، فرصتهای خرید (حراجیها). فرصتهای شغلی و تعاملات اجتماعی
رافیان ^{۱۱} -۱۹۹۱	ایمنی عمومی، هزینه غذا، فضای زندگی، استاندارد مسکن، ارتباطات، آموزش، سلامت عمومی، صلح و آموزش، جریان ترافیک، تمیزی هوا
کمیته بحران جمعیت	امنیت عمومی، هزینه خوراکی، فضای مسکونی، ارتباطات، آموزش عمومی، بهداشت همگانی، آرامش عمومی، حملونقل شهری، هوای سالم

منبع: (مطالعات نگارنده)

خاستگاه به کارگیری انگاشت کیفیت زندگی، در برنامه ریزی شهری کشورهای بیشتر توسعه یافته میباشد و کشورهای کمتر توسعه یافته به تدریج الگوی به کارگیری انگاشت کیفیت زندگی و سنجه ها و شاخص های آن را از کشورهای توسعه یافته اقتباس کردند. بررسی تجربیات کشورهای مختلف در زمینه برنامه ریزی ارتقای کیفیت زندگی، نشان دهنده تغییر توجه از ابعاد عینی و کالبدی زندگی شهری به سوی ابعاد ذهنی و برابر دانستن کیفیت زندگی با شناخت ویژگیهای متقابل محیطی، توسعه اقتصادی و برابری اجتماعی نسل امروز و نسلهای آینده و تحت تأثیر انگاشت پایداری است. رابطه بین انگاشت کیفیت زندگی و برنامه ریزی شهری را از دو جهت میتوان مورد بررسی قرار داد: نخست، برنامه ریزی با هدف ارتقای کیفیت زندگی و

دوم، کاربردهای گوناگون انگاشت کیفیت زندگی در برنامه ریزی شهری ناشی از چندبعدی بودن این انگاشت و بین رشته ای بودن برنامه ریزی شهری که عبارتند از:

- شناسایی و تحلیل همه جانبه سیستم مورد برنامه ریزی
- تخصیص بهینه و بر مبنایی برابرخواهانه منابع شهری
- ایجاد زمینه های مشارکت مردمی در برنامه ریزی
- فرابینی برنامه های شهری از طریق سنجش و بازبینی منظم
- کیفیت زندگی به صورت پیوسته و تکرار شدنی (رضاپور، ۱۳۹۸)

۱-۲ مشکل یابی در نواحی شهر فریدونکنار

در راستای کارآمد ساختن برنامه پیشنهادی در نمونه موردی، مشکلات برنامه ریزی منطقه حاصل از پالایش مشکلات به دست آمده از بررسی ساختار فضایی و تصمیم گیری و قیاس نواحی براساس معیارهای پیشنهادی نابرابری فضایی، مشکلات به دست آمده از بررسی برنامه های گذشته و موجود منطقه و مشکلات به دست آمده از پرسشنامه های افراد ساکن و مسئولین، براساس سنجه های ذهنی کیفیت زندگی و معیارهای نابرابری فضایی مشخص شد. در راستای استخراج مشکلات از مسیرهای مذکور، دو بیانیه تدوین شد: ۱- بیانیه مشکلات مبتنی بر بررسی شاخصهای عینی و ۲- بیانیه مشکلات مبتنی بر بررسی سنجه های ذهنی. یکپارچه سازی معیارهای نابرابری فضایی و سنجه های کیفیت زندگی و معرفی معیارهای یکپارچه رویارویی با نابرابری فضایی با به کارگیری برنامه ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی پس از معرفی و بازبینی چارچوب برنامه ریزی پیشنهادی براساس ویژگی های نمونه موردی، زمینه پالایش دو بیانیه مذکور و تدوین بیانیه نهایی مشکلات برنامه ریزی در نمونه موردی رافراهم آورد.

۲-۲ برنامه ریزی رویارویی با نابرابری فضایی در شهر فریدونکنار

با توجه به اهداف نوشتار و پس از بررسی چارچوب های نظری، فنی و تجربی انگاشت های مرتبط با موضوع و تطبیق آن با ویژگیهای نمونه موردی، از میان نظریات، تفکر بوم شناسی اجتماعی که رفتارها و ویژگیهای اجتماعی-اقتصادی ساکنین یک شهر را به شکل فضایی آن مرتبط میداند و نظریه عمل اجتماعی که انگاشت کیفیت زندگی را در چارچوب مسیریابی برای دستیابی به اهداف، تعریف می کند، به عنوان نظریات منتخب و از میان رهیافت های برخورد نیز رهیافت تجدید حیات شهری برای رویارویی بانابرابری فضایی و رهیافت کیفیت زندگی برگزیده شد. اشمیت و نول که جامعه را به عنوان یک کلیت واحد در نظر میگیرد و علاوه بر عوامل فردی، بر عوامل اجتماعی نظیر برابری آزادی، امنیت و انسجام تمرکز دارد، به عنوان رهیافت های منتخب برای به کارگیری در نمونه موردی، انتخاب گردیدند. چارچوب پیشنهادی رویارویی با نابرابری فضایی با به کارگیری برنامه ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی در نمونه موردی، بر اساس دو زمینه و مسیر محتوایی و روند کاری، تدوین می شود. بر این اساس، ابزار و پیش شرطهای اصلی راه اندازی یک سازوکار مناسب و فرایند پیشنهادی، معرفی شده و به کارگیری آن در نمونه موردی، مورد آزمون قرار میگیرد. بر این اساس، عمده ترین نتایج به دست آمده از بررسی ها که باید به عنوان پیش شرط در برنامه ریزی مورد توجه قرار گیرند، عبارتند از:

- اهمیت و نقش امکانات و عوامل تنظیم کننده به عنوان عوامل تأثیرگذار بر ارتقای کیفیت زندگی و کاهش نابرابری فضایی مبتنی بر روش شناسی بین رشته ای و دربرگیرنده قلمروهای گسترده
- توجه به منفعت عمومی و ابعاد گوناگون غیرکالبدی شامل ابعاد محیطی، اقتصادی، فرهنگی، روان شناختی و اجتماعی در برنامه ریزی
- در نظر گرفتن معیارهای عینی عناصر محیطی و سنجه های ذهنی مرتبط با واکنش مردم نسبت به عناصر در بردارنده ویژگیهای نابرابری فضایی و کیفیت زندگی (معیارهای یکپارچه)
- اهمیت فراوان به نقش مردم در فعالیت برنامه ریزی
- توجه همزمان به واقعیت‌های عینی^۳ زندگی و ادراکات ذهنی^۴ از این واقعیتها
- در نظر گرفتن ویژگیهای پایه نابرابری میان نواحی مسکونی در تحلیل ها و جستجوی وجوه مهم ایجادکننده آنها
- توجه به عدم استقلال نواحی مسکونی شهر و در نظر گرفتن تغییر ویژگیهای فضایی یک ناحیه مسکونی به عنوان یکی از عوامل تغییر سایر نواحی.

نواحی مختلف منجر به پیدایش نابرابری فضایی و کیفیت زندگی متفاوت در آنها و لزوم تحلیل مشکلات و فرصت های محیطی ایجادکننده این تفاوتها، علاوه بر نتایج فوق، از جمله پیش شرط های دیگر برنامه ریزی برای کاهش نابرابری فضایی و ارتقای کیفیت زندگی، ایجاد زمینه مشارکت دادن گروههای مختلف است. این گروهها شامل دو دسته نهادهای دولتی دارای قدرت تصمیم گیری و تصمیم سازی و نهادهای محلی رسمی و غیررسمی فعال در عرصه های جمعی می شوند. امکان پذیر شدن افزایش مشارکت این دو دسته در فرایند برنامه ریزی، مشروط و نیازمند فراهم آوردن زمینه هایی است که به صورت فشرده عبارتند از:

- آگاه سازی شهروندان در رابطه با نقش محوری آنها در برنامه ریزی
- آگاه سازی تصمیم گیران و شهروندان در رابطه با انگاشت کیفیت زندگی و نابرابری فضایی
- اصلاح ساختارهای تصمیم گیری شهری در راستای تسهیل امر مشارکت شهروندان
- بازبینی قوانین و هماهنگ سازی آنها با مشارکت افراد و گروه های درگیر.

پس از ایجاد شرایط پایه، باید اقدام به طراحی و اجرای فرایند رویارویی با نابرابری فضایی از طریق به کارگیری برنامه ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی در نمونه موردی کرد. تدوین این فرایند از قیاس متناظر مراحل هر دو فرایند برنامه ریزی، مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی و رویارویی بانابرابری فضایی، انجام میگردد. به طوریکه در هر مرحله و به فراخور هر مرحله، کاهش نابرابری های فضایی و ارتقای کیفیت زندگی شهری، مورد توجه قرار می گیرد. برای طراحی فرایند پیشنهادی میتوان در چارچوب دو سناریو به کار پرداخت: یاروشهای مناسب با کشف مشکلات، انتخاب شوند و اهداف و راهبردهایی را به آنها مربوط کرد (تفکر برنامه ریزی مشکل - سو^۱) یا با تعیین ارزشها، چشمانداز و اهداف کلان، مسیر حرکت در دستیابی به آنها را مشخص ساخت (تفکر برنامه ریزی هدف - سو^۲) که البته ترکیبی از این دو شیوه نه فقط ممکن، بلکه مطلوب است و در اینجا مورد توجه می باشد.

۲-۳ مراحل طراحی و معرفی فرایند پیشنهادی به شرح ذیل میباشد:

الف - تدوین بیانیه اهداف

اهداف برنامه ریزی ارتقای کیفیت زندگی توسط گروه برنامه ریزی و با درگیری و مشارکت همه اجتماع (شامل افراد، گروهها و نهادها)، گروه برنامه ریزان (تصمیم سازان) و تصمیم گیرندگان در قالب اهداف کلان و خرد، تدوین میشوند. بیانیه نهایی اهداف

منطقه فریدونکنار از پالایش شامل تجمیع، تلفیق و حذف اهداف مشابه تدوین شده براساس برنامه های گذشته و موجود منطقه، اهداف منتج از مشکلات و ارزشهای گروه های درگیر در تصمیم گیری ها، تدوین میشوند. ارتقا و ایجاد شرایط برابر زیست محیطی، تعدیل نابرابری های موجود بین ساکنین نواحی مختلف منطقه، دستیابی به شرایط مناسب کالبدی و عملکردی، اجتماعی، کیفیت اشتغال و کاهش میزان بیکاری با بهره گیری از توان ها و پتانسیل های موجود و ارتقای کیفیت زندگی در ابعاد مختلف آن، از مهمترین اهداف برنامه ریزی در این منطقه می باشند.

ب- تدوین بیانیه چشم انداز ارتقای کیفیت زندگی

بیانیه نهایی چشم انداز منطقه فریدونکنار براساس بیانیه اهداف و از پالایش بیانیه های چشم انداز برنامه های گذشته و موجود منطقه و تولید شده از فن چشم اندازسازی ارگون مبتنی بر بیانیه های دارایی، نیاز و تداوم تمایل، تدوین میشود. منطقه ای با کیفیت زندگی و محیط زیست پایدار، ساختار جمعیتی، اجتماعی یکپارچه و منسجم، اقتصاد پایدار و برابر، ساختار تصمیم گیری منسجم و با حداقل نابرابری ها و دارای ساختاری مناسب برای سکونت، فعالیت و فراغت، قسمت هایی از بیانیه چشم انداز منطقه محسوب میشوند.

ج- انتخاب و به کارگیری روش طراحی برنامه

روش تحلیل عرصه های تصمیم گیری مرتبط، به عنوان روش طراحی برنامه در شهر فریدونکنار، انتخاب میشود. روش مذکور با استفاده از اطلاعات اولیه در مورد مشکلات برنامه ریزی، عرصه های تصمیم گیری مرتبط با رویارویی بانابرابری فضایی و ارتقای کیفیت زندگی را تعیین میکند و پس از تعیین اختیارهای عرصه های تصمیم گیری، به تولیدسناریوهای ممکن از ترکیب اختیارهای سازگار می پردازد و با امتیازدهی آنها، سناریوی منتخب را معرفی میکند. سناریوی برتر در شهر فریدونکنار عبارت است از: افزایش حفاظت از محیط زیست، افزایش امنیت اجتماعی، افزایش جمعیت و فعالیت و افزایش کاربردهای شهری و بهبود کالبد مسکن و شبکه ارتباطی و نیز ارتقای ساختار فضایی و تصمیمگیری. پس از تعیین عرصه های سیاست گذاری، سازگاری اختیارهای آنها در یک ماتریس بررسی و اختیار برتر هر عرصه سیاست گذاری، مشخص می گردد و براساس آن راهبردهای برنامه ریزی تولید می شوند.

د- تدوین بیانیه راهبردها

با استفاده از بیانیه نهایی، اهداف و روش به کار گرفته شده برای طراحی برنامه، راهبردهای گزینه به منظور رویارویی با نابرابری فضایی از طریق به کارگیری برنامه ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی، تدوین می شود. بیانیه نهایی راهبردهای منطقه، از پالایش راهبردهای استخراج شده از برنامه های منطقه و راهبردهای به دست آمده از روش تحلیل عرصه های تصمیم گیری مرتبط تولید شده و در دو قسمت راهبردهای مرتبط با منطقه و ناحیه یک ارائه می شوند.

ه- تدوین پروگرام های عملیاتی

با در نظر گرفتن انواع خط مشی ها و اقدامات لازم برای رویارویی با نابرابری های فضایی مشتمل بر پیشنهاد های اقتصادی، محیطی و کالبدی، آموزشی و واحد همسایگی و بیانیه راهبردها، تدوین سیاست های برنامه ریزی صورت می گیرد.

و- اجرا، مرور و فرایینی برنامه

با توجه به ویژگی فرایینی برنامه ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی، فرایند پیشنهادی نیز دارای ویژگی فرایینی می باشد. در بازنگری و ارزیابی - با وجود شرایط در حال تغییر - باید ارزیابی های دوره ای برنامه شامل بازنگری اهداف خرد را انجام داد. در کاهش نابرابری های فضایی و ارتقای کیفیت زندگی، راهبردهای تأمین مسکن و بهبود شرایط کالبدی، توسعه اقتصادی -

اجتماعی و توجه به محیط زیست، دارای اهمیت بسیاری است. نابرابری فضایی و کیفیت زندگی به مباحثی چون درآمد یا اشتغال محدود نمی شود. وضعیت نامطلوب زندگی در نواحی دچار نابرابری به ساختار خانواده، مناسبات و هویت اجتماعی ساکنین این نواحی، آسیب های جدی میزند و تأثیرات آنها بر کل جامعه وارد می آید. به کارگیری چارچوب پیشنهادی با شناخت اولویت های اجتماعی و اقتصادی ساکنان این نواحی و تلاش برای تأمین آنها، نقشی اساسی در کاهش نابرابری ها و ارتقای کیفیت زندگی ساکنین دارد.

۴- بحث و نتیجه گیری

نگارش مقاله پیش رو در فرایندی چرخهای به شرحی که گذشت، زمینه پاسخ به پرسشها و دستیابی به اهداف و مسیر انجام پژوهش های بعدی مرتبط با موضوع مورد پژوهش را فراهم می آورد: نابرابری فضایی به عنوان مشکل برنامه ریزی است که از روابط پیچیده سه ساختار طبیعی، کالبدی- فعالیتی و تصمیم گیری، به عنوان نیروهای تأثیرگذار بر کل ساختار شهر ناشی میشود و پیامدهایی از جمله توزیع نامتوازن خدمات رفاهی، شکل گیری و رشد نواحی دچار افت و محرومیت و نواحی فقیر فرسوده شهری را در پی دارد و باید در شناسایی، سنجش و مقابله با نابرابری فضایی، مورد توجه قرار گیرند. ناکارآمدی رهیافت های سنتی برنامه ریزی در رویارویی با نابرابری فضایی، به دور از نگاهی جامع و چندبعدی به زندگی شهری، ضرورت معرفی و به کارگیری شیوه برنامه ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی را مطرح می سازد. شیوه های که بابه کارگیری انگاشت همه جانبه کیفیت زندگی، ابعاد ذهنی و عینی زندگی شهری را در نظر داشته و بر حسب ویژگیهای نمونه موردی، به برنامه ریزی می پردازد. برنامه ریزی مبتنی بر ویژگیهای مذکور، بر تدارک شرایط ضروری محیطی (کیفیت زندگی عینی و رضایت از شرایط محیط (کیفیت زندگی ذهنی) و نوآوری در خلق راه حل های متفاوت و همه جانبه برای مشکلات برنامه ریزی گوناگون، تأکید دارد. و رویارویی با نابرابری فضایی تلفیق دو فرایند براساس دو برنامه ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی مسیر محتوایی و روند کاری و با در نظر گرفتن قیدها و محدودیت های به کارگیری کیفیت زندگی و رویارویی با نابرابری فضایی از یک سو و فرصتهای به کارگیری آن از سوی دیگر و بر مبنای نتایج به دست آمده از بررسی چارچوب های نظری، فنی و تجربیات مرتبط با موضوع مورد پژوهش و شناخت و تحلیل نمونه موردی و پس از معرفی زمینه و شرایط پایه و به کارگیری آن در نمونه موردی، به منظور دستیابی به برابری و ارتقای کیفیت زندگی در منطقه، به عنوان شیوه های متمایز از شیوه های رایج برنامه ریزی که به سطوح خرد شهری توجه دارد و پیشنهاد و به کارگیری روش و معیارهای یکپارچه نابرابری فضایی و کیفیت زندگی، به عنوان معیارهای متمایز از معیارهای متداول برنامه ریزی، از عمده ترین دستاوردهای این مقاله محسوب میشوند.

منابع

- ۱- خالوباقری، مهدیه، (۱۳۹۰)، رویارویی با نابرابری فضایی بابه کارگیری برنامه ریزی مبتنی بر ارتقای کیفیت زندگی- نمونه موردی منطقه ۱۳ شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۲- دانشپور، زهره، (۱۳۷۸) درآمدی بر نظریه های برنامه ریزی با تأکید ویژه بر برنامه ریزی شهری، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۳- دانشپور، زهره، (۱۳۸۷)، تحلیل عدم تعادل فضایی در شهرها، مجله صفا، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید ۵۴- بهشتی، شماره ۴۱، صفحات ۷۲

- ۴- رضوانی، محمدرضا، (۱۳۷۸) توسعه و سنجش شاخص های کیفیت زندگی شهری (نمونه موردی شهر نورآباد لرستان)، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال اول، شماره دوم.
- ۵- رضوانی، محمدرضا؛ منصوریان، حسین، (۱۳۸۸) سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص ها، مدلها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال یازدهم، شماره ۷.
- ۶- رضایپور، مریم، (۱۳۹۵) سنجش کیفیت زندگی - نمونه موردی منطقه ۱ شهر تهران، پایاننامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۷- کلانتری، خلیل، (۱۳۹۷) برنامه ریزی و توسعه منطقه ای، تهران، انتشارات خوشبین.
- ۸- نجات، سحرناز، (۱۳۹۹) کیفیت زندگی و اندازه گیری آن، مجله تخصصی اپیدمیولوژی، دوره ۲، شماره ۴
- ۹- نصیری، اسماعیل، (۱۳۹۹) کاربرد تلفیق روشهای در کاربری اراضی GIS تصمیم گیری چندمعیاره مکانی باشهری، فصلنامه ژئوماتیک.
- ۱۰- نوغانی، محسن؛ اصغریپور، احمدرضا؛ صفا، شیما؛ کرمانی، مهدی، (۱۳۹۸) کیفیت زندگی شهروندان و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در شهر مشهد، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۱- هاروی، دیوید، (۱۳۷۶) عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان، انتشارات پردازش.
- 1-Hagerty, M., Cummins, Robert A., Ferriss, Abbottl., Land Kenneth, Michalos, Alex C Peterson Mark, Sharpe, Andrew, Sirgy Joseph, Vogel, Joachim, 2001. Quality of life indexes for national policy: Review and agenda for research. Social Indicators Reseasch, Vol. 55, No. 1, p.
- 2- Lee, J., Wong, D., 2001. Statistical analysis with arc view GIS. John Wiley and Sons, New York, 135-137.
- 3-Lee, Yung-Jaan, 2008. Subjective quality of life measurement in Taipei. Building an Environment, Vol. 43, No. 7, P. 1205-1215.
- 4-Morais, P., 2010. Evaluation of performance of Morais, P., 2010. Evaluation of performance of European cities with the aim to promote quality of life improvements. Elsevier, Vol.
- 5-Seik, Foo Tuan, 2000. Subjective assessment o urban quality of life in Singapore. Habitat International, Vol. 24, No. 1, P. 31-49.
- 6-ulengin BurÇ, Ülengin, Füsün, Güvenç, Ümit2001. A multidimensional approach to urba quality of life: The case of Istanbul. Europea Journal of Operational Research, Vol. 130 No. 2, P. 361-374.
- 7-WHOQOL., 1993. Measuring Quality of Life: The Development of the World Health Organization Quality of life. World Health Organization.